



درسته که وقتی دانشجوی تحصیلات تکمیلی می‌شود باید اولویت اول درس و تحقیق باشد ولی خب به قول بزرگترها زندگی خرج داره! گاهی اوقات شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که دانشجو باید در کنار تحصیل، درآمد هم داشته باشد مخصوصاً ...

دانشجو ربات نیست! ۱۱



یکی از مباحث ریشه‌ای در علوم اجتماعی، رابطه فرد و جامعه است؛ از این منظر که فرد اصالت دارد یا جامعه؟ شهید مطهری نظریات مختلف در این زمینه را به ۴ دسته تقسیم می‌کند. عده‌ای که فقط به فرد اصالت می‌دهند؛ عده‌ای که فقط به جامعه اصالت ...

دانشگاه انقلابی ۷

## رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی از حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری تشکر و قدردانی کردند

### ملت عزیز ایران

جشن حماسی انتخابات دیروز، بار دیگر گوهر درخشان عزم و اراده ملی را در برابر چشم جهانیان به جلوه آورد. مشارکت گسترده و پرشور شما و هجوم مشتاقانه به مراکز رأی‌گیری و تشکیل صف‌های طولانی برای رسیدن به صندوق‌های رأی در همه جای کشور و از همه قشرهای اجتماعی، نشانه‌ای آشکار از استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی و دل‌بستگی همگانی به این موهبت بزرگ پروردگار بود و ایران و ایرانی را در آزمون میدان عمل، سرفراز و روسفید کرد.



ادامه در صفحه ۷



- ۲ تجلیل از اعضای هیئت علمی نمونه دانشگاه
- ۳ دلنوشته های نیمه شعبان
- ۴ هنر مصلحانه و هنر مفسدانه
- ۵ رخ کمتر دیده شده ی تئاتر غرب
- ۸ آمریکا با هیچ کس نیست!
- ۹ به بهانه انتخابات در نقد فرهنگ سیلیسی
- ۱۰ کوچه پس کوچه های عاشقی
- ۱۲ ادعای مجله ی نیچر در ترازوی انصاف

### حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی فلاح‌رفیعی

## مهم این است که چند درصد مردم ما در انتخابات شرکت می‌کنند

و منطقه می‌تواند با اقتدار بیشتر موضع‌گیری کند و از جایگاهی قوی‌تر از حقوق ملت خود دفاع کند. سربلندی رئیس‌جمهوری ما با آراء زیاد عزت و سربلندی تک تک مردم ایران اسلامی است. ما مشکلات اقتصادی از جمله اشتغال و مسکن و نیز معضلاتی چون افزایش سن ازدواج را در کشور احساس می‌کنیم و با آن نیز مواجه هستیم، اما واقعیت این است که به یاری خدای متعال در سایه بقاء و سربلندی این نظام مقدس است که می‌توانیم بر مشکلات فائق آئیم و شاهد آینده‌ای هرچه درخشان‌تر باشیم.



بخش‌هایی از بیانیه‌ی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی فلاح‌رفیعی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت‌مدرس در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری:

اینکه در مناظرات بعضی بد اخلاقی‌ها رخ داد که ناخوشایند بود و جای تأسف داشت، ربطی به درخت تنومند انقلاب و جمهوری اسلامی ندارد.

اینکه چه کسی رئیس‌جمهور می‌شود در مرتبه دوم و بلکه چندم اهمیت است. مهم این است که چند درصد مردم ما در انتخابات شرکت می‌کنند. این آن چیزی است که از اهمیت درجه اول برخوردار است. مهم این است که رئیس‌جمهور با چه میزان آراء کرسی ریاست‌جمهوری را برعهده می‌گیرد.

رئیس‌جمهوری که با درصد بالای آراء، مسئولیت را به عهده می‌گیرد در سطح جهانی

بنابراین ما رأی می‌دهیم تا ایران بماند. رأی می‌دهیم تا جمهوری اسلامی ایران در جهان سربلندتر باشد. رأی می‌دهیم تا درختی که خون صدها هزار شهید در پای آن ریخته شده است روز بروز تنومندتر شود. رأی می‌دهیم تا نظامی که امروز اینگونه حرف اول را در منطقه می‌زند و با اقتدار سیاسی خود در سطح جهانی نقشی راهبردی ایفاء می‌کند، علیرغم خواست استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل باقی بماند.

و در یک کلام رأی می‌دهیم که ما خودمان باشیم به عنوان یک ایرانی مسلمان مستقل و سربلند و سرفراز در سایه تعالیم بلند اسلام و قرآن.

### دکتر محمدتقی احمدی

## ضرورت نوسازی ۳۰ درصدی ساختمان‌های دانشگاه



و مقاوم‌سازی ساختمان‌های کشور را در دوره هفت سال آغاز کردیم و تعدادی از این ساختمان‌ها در حد مطالعات و ارائه نقشه‌های اجرایی پیش رفت که البته فقط تعداد محدودی از این ساختمان‌های غیر ایمن مقاوم‌سازی و پروژه مطالعاتی به مرحله اجرا درآمد به طوری که بهترین نمونه‌های این نوسازی در حوزه نوسازی مدارس کشور اتفاق افتاد و در این راستا نزدیک به سه هزار مدرسه مقاوم‌سازی شدند. دکتر احمدی تأکید کرد: در ابتدای اجرای طرح مقاوم‌سازی ساختمان‌های مهم و حساس کشور حدود ۴ میلیارد دلار بودجه در نظر گرفت که در نهایت فقط یک میلیارد دلار آن که البته بیشتر این بودجه در حوزه نوسازی مدارس آموزش و پرورش انجام شد تخصیص پیدا کرد. این در حالی است که سهم آموزش عالی از این رقم نیز بسیار ناچیز بود. اما در نهایت سازوکار و زنجیره مقاوم‌سازی ساختمان‌های مهم کشوری در اواخر دهه ۸۰ از هم پاشید. دکتر احمدی در پایان در خصوص هزینه بهسازی ساختمان‌های دانشگاه تربیت مدرس نیز اظهار کرد: اگر هزینه بهسازی یک ساختمان در هر مترمربع یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد با توجه به اینکه حدود ۱۲ هزار مترمربع ساختمان‌های دانشگاه نیازمند بهسازی هستند رقم قابل توجهی را باید برای این برنامه در نظر گرفت تا بتوانیم ساختمان‌های این دانشگاه را بهسازی لرزه‌ای انجام داد.

رئیس دانشگاه با تأکید بر اینکه سهم دانشگاه‌های کشور از بودجه نوسازی و مقاوم‌سازی بسیار ناچیز است، گفت: در حال حاضر ۳۰ درصد ساختمان‌های دانشگاه تربیت مدرس نیازمند نوسازی و بهسازی لرزه‌ای هستند و لازم است بودجه مشخصی برای مقاوم‌سازی ساختمان‌های دانشگاه کشور اختصاص داد. دکتر محمدتقی احمدی با اعلام این مطلب اظهار داشت: طرح بزرگ مقاوم‌سازی ساختمان‌های حساس و مهم کشور از سال ۱۳۸۱ آغاز شد اجرای این طرح به مدت شش سال به‌طور جدی ادامه پیدا کرد. با توجه به اینکه بنده مسئولیت پشتیبانی و هدایت این پروژه‌ها را بر عهده داشتیم در جریان جزئیات آن قرار دارم. در واقع بر اساس این پروژه قرار شد ساختمان‌های مهم و استراتژیک کشور که از لحاظ مقاوم‌سازی ایمن نیستند را ایمن‌سازی کنیم. وی در ادامه تصریح کرد: در این پروژه تعدادی از پروژه‌های مربوط به ارزیابی آسیب‌پذیری

## تجلیل از اعضای هیئت علمی نمونه دانشگاه

دکتر گیتی ترکمان  
دکتر محسن برزگر بفرولی  
دکتر حسین اعتمادی  
دکتر حمیدرضا مرادی کلائی  
دکتر علی اکبر بیگلو  
دکتر محمدجواد مهدوی نژاد  
**اساتید مشمول پایه تشویقی:**  
دکتر کاووس روحی برندق  
دکتر حسن ذوالفقاری  
دکتر زهرا احمدی پور  
دکتر عباس منوچهری  
دکتر ابراهیم راستاد  
دکتر صدیقه طوافیان  
دکتر نجمه تهرانیان  
دکتر زهرا بطحائی  
دکتر علی رجبزاده قطرمی  
دکتر محمدمهدی سپهری  
دکتر ابوالفضل حسنی  
دکتر مجتبی رفیعیان

### استادان نمونه دانشگاه:

دکتر رضا قراخانلو  
دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری  
دکتر عبدالعلی عزیزاده  
دکتر عبدالحسین دلیمی اصل  
دکتر مسعود سلیمانی  
دکتر علی ایرانمنش  
دکتر سید جواد مولی  
دکتر احمد خدادادی دربان  
دکتر مهدی همائی  
دکتر غلامحسین نجفی  
دکتر محمدحسن قاسمیان یزدی  
دکتر سید عباس شجاع الساداتی  
دکتر بیتا آیتی  
دکتر محمدرضا بمانیان  
**اساتید تلاشگر:**  
دکتر محمدجعفر حبیب زاده



دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی نیز به بیان ویژگی‌های یک معلم موفق و نقش معلم در چرخه تمدن‌سازی پرداخت. سپس دکتر حسین‌خانمی مسئول دفتر امور هیئت علمی، فرآیندهای انتخاب اساتید نمونه دانشگاه را تشریح نمود.

در پایان از اساتید نمونه، تلاشگر، بازنشسته و مشمول پایه تشویقی تقدیر شد. خانواده اساتید در گذشته دانشگاه نیز توسط هیئت‌رئیس دانشگاه تجلیل شدند.

### اساتید درگذشته:

دکتر نبی‌الله ابراهیمی  
دکتر محمد محجل

### اساتید بازنشسته:

دکتر غلامرضا پزشکی راد  
دکتر محسن وفاپی سفتی

### استاد نمونه کشوری:

دکتر سعید سمنانیان

در این مراسم که هجدهم اردیبهشت‌ماه در سالن استاد مطهری برگزار شد، دکتر احمدی رئیس دانشگاه در سخنانی ضمن تبریک اعیاد نیمه شعبان و روز استاد اظهار داشت: توقع دانشگاه از شما اساتید گران‌قدر در قالب طرح تحول راهبردی دانشگاه تبیین شده است و آن این است که شما برای رسیدن به افق‌های بلندتر بین‌المللی دانشگاه و اخلاقی نمودن بیشتر فضای دانشگاه و سازمان‌دهی بهینه پژوهش و ارتقای آموزش، گام‌هایی استوار بردارید و مدیریت دانشگاه را در این زمینه تنها نگذارید. وی افزود: در زمینه توسعه ارتباطات بین‌المللی و راهنمایی و پشتیبانی دانشجویان در زمینه‌های زندگی اجتماعی و علمی و صرف وقت برای ارتباط با دانشجو و نیز توسعه رشته‌های بین‌رشته‌ای امید ما به شماست. پیشرفت دانش و فناوری در قرن جدید عمدتاً با توسعه تحقیقات و آموزش‌های بین‌رشته‌ای مرتبط است و برای شکل‌گیری آن، نیاز به تحول، سازمان‌دهی، صرف وقت و دلسوزی است که از سوی شما عزیزان صورت گیرد.



دکتر علی فلاح رفیع:

## نیاز امروز جامعه دانشگاهی به روح علمی و اخلاق علمی



می‌طلبد. بنابراین فرهنگ به یک معنا مقدم بر علم است و اسلام نیز برای رشد علم ابتدا فرهنگ علم را بین مسلمانان رواج داد. فرهنگ علم به این بود که اولین آیات قرآن با قسم به قلم و تحسین علم و عالم نازل گردید و آیات و روایات متعدد دیگر همه به‌نوعی بیانگر تقدس علم بودند به‌طوری‌که اسلام علم، کلاس، عالم، مدرسه، دانشگاه را تقدس بخشید و این موجب شد که در کمتر از ۳ قرن مسلمانان به اوج تمدن برسند

در مراسم تجلیل از استادان برتر و گرامی‌داشت روز استاد که با حضور مسئولین و اعضای هیئت‌علمی از سوی معاونت آموزشی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد سخنران مدعو دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری در دانشگاه بود. حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح رفیع در بخش نخست سخنان خود ضمن اشاره به اهمیت والای رشد علمی بیان داشت: برای تجدید بنیان تمدن به‌طور کلی و بالأخص تمدن اسلامی نیاز به رشد علم می‌باشد. رشد علم به عالمان وابسته است و وجود عالمان نیز پیش‌زمینه‌ی فرهنگ و روحیه علمی را

## تجلیل از چهره‌های ماندگار جغرافیای سیاسی



جغرافیای سیاسی در ایران و دکتر عزت‌الله عزتی از اساتید برجسته این رشته به‌عنوان چهره‌های ماندگار جغرافیای سیاسی تجلیل کرد. گفتنی است دکتر میرحیدر متولد ۱۳۱۱ در کرمانشاه است. وی در سال ۱۳۳۲ مدرک لیسانس خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. دکتر میرحیدر پس از دریافت مدارک کارشناسی ارشد و دکترای، به کشور بازگشت و برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ جغرافیای سیاسی را به‌عنوان یک رشته وارد برنامه دانشگاهی ایران کرد.

آیین بزرگداشت روز استاد و تجلیل از دو چهره ماندگار جغرافیای سیاسی، روز دوشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه در سالن اجتماعات شهید مطهری دانشگاه برگزار شد. انجمن علمی دانشجویی جغرافیای سیاسی با همکاری گروه و قطب علمی جغرافیای سیاسی طی مراسمی که با حضور دکتر محمدتقی احمدی رئیس و دکتر امین ناصری معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، دکتر حافظ‌نیا استاد تمام جغرافیای سیاسی و جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه برگزار شد، از دکتر دره میرحیدر بنیان‌گذار رشته

## دلنوشته های نیمه شعبان

آخرش این خاک ایوانش طلائی می شد.  
گنبد و گلدسته های باصفایی می شود.  
آخرش من مطمئنم این گره وا می شود.  
این حرم زیباترین تصویر دنیا می شود.

اینجا کسی برای تو جا و نمی کند این  
خاک احترام به دریا نمی کند نامت برای  
دفع بلا روی طاقچه است ورنه کسی نگاه  
نمی کند الهم عجل لولیک الفرج

سلام آقای خوبی ها هر آنچه در طریقت  
اخلاص هدیه می کنم به شما حجام.  
عفتن، ثواب نماز اول وقتن، ثواب عمره  
رجبیه ام و چشمان منتظرم و جان ناقابلیم  
هدیه به شما.

ای خالت بهار بهار قلب من به شکفتن  
شکوفه ظهور از زمستان سرد انتظار است  
ای بهار قلب ها. ادرکنی الساعه العجل

دیگر شده ام دچار وسواس بیا بدجور به  
عصر جمعه حساس بیا گفتی به عموی  
خود ارادت داری این بارم به دست عباس  
بیا

یا مهدی «عج» این عشق آتشین ز دلیم پاک  
نمی شود همچون به غیرخانه ی لیلا نمی  
شود بالای تخت یوسف کنعان نوشته اند هر  
پوستی که یوسف زهر نمی شو

آقای من بودند همیشه با من است نبودنت  
مرا شرمندگی بودن های همیشه ات می  
کند آقایی کن و مرا به خاطر نبودن ها و  
غفلت هایم بخشای الهم عجل لولیک الفرج

برای بیکار هم که شده زیارت ائمه معصومین  
را هدیه کنم به آقا امام زمان یعنی از طرف  
ایشان نائب الزیاره باشم و فقط فقط برای  
ایشان دعا کنم و از دینی مجازی دور باشم

هدیه من به امام زمان تمام عمرم است  
که سعی می کنم که در راه حضرت ولی  
عصر و راه خدا باشد و هر روز کار خوب  
و کمکی به دیگران انجام دهم

ای اهل دلان عید گذشت و خبر از یاد  
نیامد برزخم دل فاطمه غمخوار نیامد  
چند روز دگر مانده که با ناله بگویم ای  
اهل حرم میرعلمدار نیامد.

صبرم از کاسه دگر لبریز است اگر این  
جمعه نیاید چه کنم؟ آنقدر من خجل از  
کار خودم اگر این جمعه بیاید چه کنم؟

یک سلام از راه دور یک جواب از سوی یار  
و تمام دلخوشی هایم این است یک سلام  
از راه نزدیک و زیارت نامه

من منتظر توام تو منتظر چی هستی؟

آقا چه دهم تو را که دستم خالیست جز  
«آه» ندارم به بساطم چیزی

### مراسم ویژه ماه میما خدا

ویژه برنامه های ماه مبارک رمضان ۱۳۹۶

عنوان برنامه	زمان	مداح / سخنران / قاری
بیان احکام و احادیث اخلاقی	هر روز بعد از نماز ظهر و عصر به مدت ۱۰ دقیقه	باحضر سلیمین
برنامه جزء خوانی روزانه	هر روز بعد از نماز ظهر و عصر	آقایان رسولی، قلی، نبوی - پروین
گرمی تلاوت قرآن	شنبه ۶ خرداد (۱۱ رمضان)	استاد هادی موهدهامین
گرمی تلاوت قرآن	شنبه ۱۳ خرداد (۸ رمضان)	استاد مهدی غلام نژاد
ولادت امام حسن(علیه السلام)	شنبه ۲۰ خرداد (۱۵ ماه رمضان)	مولودی خوانی توسط حاج محمد یهنولی
محلل انس با قرآن کریم همراه با سفره کریم اهل بیت(ع)	شنبه ۲۰ خرداد (۱۵ ماه رمضان) از ساعت ۱۸ الی ۲۰	مجری: آقای مجید رسولی انتهال: استاد حسن حکیمی گروه تواضع بین المللی: طه قاری بن المللی: استاد حاج امین پویا همراه با برگزاری مسابقه و اهدای جوایز برای کودکان و نوجوانان
حسرت خوردن حضرت علی(علیه السلام)	چهارشنبه ۲۴ خرداد (۱۹ رمضان)	حاج امیر کاتوزیان
گرمی تلاوت قرآن	شنبه ۲۷ خرداد (۲۲ رمضان)	استاد حمیدرضا احمدی وفا
احیای شب های قدر	سه شنبه ۲۳ خرداد (۱۸ رمضان) پنج شنبه ۲۵ خرداد (۲۰ رمضان) شنبه ۲۷ خرداد (۲۲ رمضان) از ساعت ۲۲:۳۰ الی ۲:۰۰ بامداد	جوشن کبیر: استاد حاج امین پویا و آقای مجید رسولی سخنرانی و قرآن به سرگرفتن: حجه الاسلام دکتر فلاح رفیع مداحی و روضه خوانی: حاج اسدالله عرب سرخی

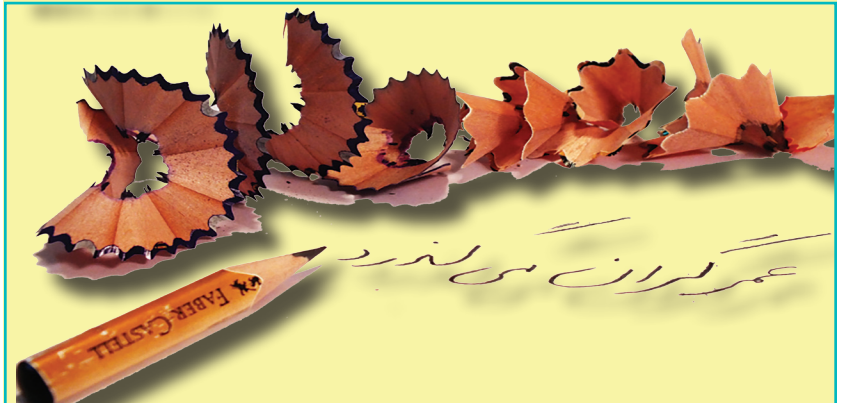
مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس  
سازگرای مراسم در انگاه تربیت مدرس

## دهه سی زندگی را جدی بگیر

رهگذر

مانده پورفتح اله

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس



تو را سردرگم می کند. مثل یک کلاف. پیچ می خورد. آدمهایی را می بینی که بودند و اکنون نیستند. آدمهایی که هستند و مانند گذشته شان نیستند و آدمهایی که انگار نیستند. دنبال شخصیتی هستی که نمی شود به آن ایراد گرفت کسی که آن قدر محکم و استوار است که می شود به اندیشه های پیش تکیه کرد و راهش را ادامه داد ...  
دانشجو نیاز به الگو دارد!

اواخر دهه سی زندگی دوران عجیبی است، بین ایده آل گرایی اوایل جوانی و منطقی نگری ورود به دهه چهل مانده ای. گاهی آرمانی فکر می کنی و دوست داری دنیا را تغییر دهی گاه خیلی منطقی درگیر محاسبات اقتصادی روزمره و تشکیل خانواده و اینکه چه طور زندگی اولیه خودت را شکل دهی می مانی. این درگیری نه می تواند پروازت دهد نه اجازه می دهد فکر پرواز را از سرت دور کنی ...  
دانشجو نیاز به معجزه دارد!

این دوره از زندگی ات دیگر زمان درنگ نداری. فرصت ها مثل ابر درگذرند و انتخاب ها سخت. مثل زمان کودکی نیست که آینده ات را با رویا ببافی و لحظه ی بعد تغییرش دهی. اگر راه را بیراهه بروی خیلی سخت قابل جبران است. اگر ندانی کجا می روی سخت تر.....

دانشجو نیاز به هدف دارد!

در دهه سی زندگی ات ظرف تجربه هرروز در حال پر شدن است. تجربه هایی که الزاما خودت درگیرش نیودی. شنیده ها و گفته های دیگران. معمولا این شنیده ها از حوادث پنجاه سال اخیر است یعنی شاید بیست سال پیش از آن که به دنیا بیایی. بعضی از این تجربه ها در کنار اتفاقاتی که بعضی در چشم در دهه ی سی زندگی ات می بینی



حسین فقیهی

کارشناسی ارشد ارتباط تصویری  
دانشگاه تربیت مدرس

بخش دوم

اول اینکه ایراد مهم در عرصه هنر، عدم وجود تقسیم‌بندی در هنر به صورت هنر مثبت و هنر منفی است؛ هنر ارتقایی یا مخرب و اگر بیان قرآنی آن را بخواهیم، هنرمصلحانه و یا مفسدانه. به تبع عدم حضور این تفکیک، چارچوب‌های غلط برخاسته از دل هنر و سایه سردرگمی و اشتباهات حاکم بر جشنواره‌ها و الگوسازی‌های مسموم در عرصه‌های مختلف را به نظاره نشسته‌ایم. این است که باید از اساس در بحث فرهنگ و هنر رایج شک کنیم؛ شکی که مقدمه‌ی اصلاح باشد و درصدد جایگزینی جایگزین‌های صحیح آن براییم و زمانی به تکنیک و مهارت بپردازیم که اثر خلق‌شده در جرگه‌ی هنر ارتقایی قرار گرفته باشد. به‌عنوان مثال در جشنواره‌ها و الگوسازی‌هایمان آثاری را به داوری تکنیکی بنشینیم و مطرح سازیم که ابتدا در زمره‌ی هنرمصلحانه باشند و سپس در بین آثار ارتقاء محور و مصالحانه، اثرگذارترین و قوی‌ترین‌شان را در این حیطه بشناسیم و بشناسانیم.

در ادامه‌ی خوش‌بینانه نگرستن و نادیده گرفتن آن دستار ضخیم بسته‌شده بر کمر همت غرب مبنی بر محو فرهنگ‌ها و ارزش‌های انسانی ملت‌ها، تا دهکده‌ای شکل گیرد جهانی، که فرهنگ و ذائقه‌ی کدخدای این دهکده بر رعایا غالب شود، دومین نکته این است که نمی‌توان اثر خلق‌شده را جدای از فرهنگ خالق آن دانست و همچنین ارتباطی مستقیم بین فرهنگ و رفتار وجود دارد و فرهنگ براساس اعتقادات ساخته می‌شود، خواه صحیح باشد و خواه ناصحیح. وقتی چنین بنگریم، آیا حاضر خواهیم بود بی‌هیچ نقدی به معرفی آثاری بپردازیم که ثمره‌ی فرهنگ نه‌چندان ارزشمند حاصل از

## هنر مصالحانه و هنر مفسدانه

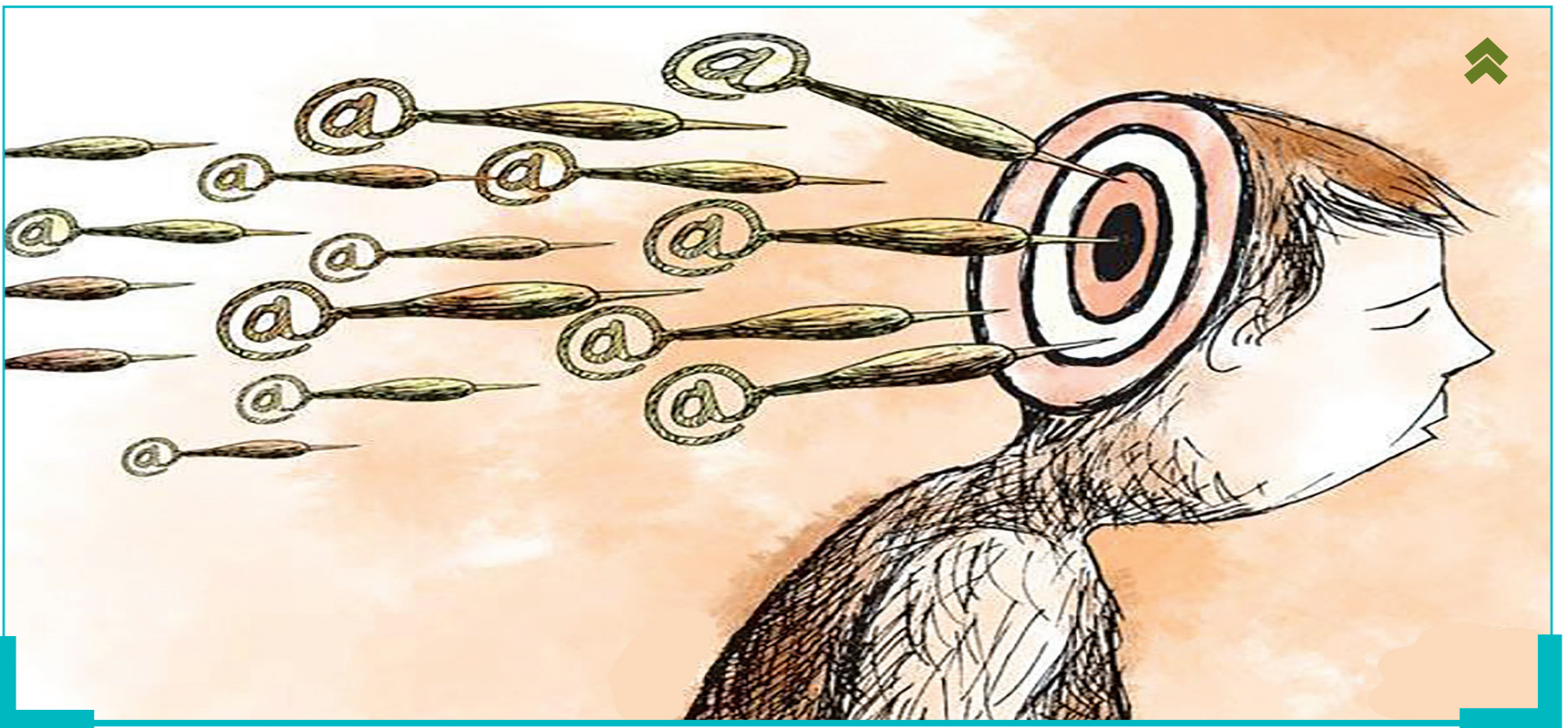
اعتقادات سازندگان آن‌هاست. باید بدانیم که بدون اصلاح و رشد علوم انسانی‌مان و تفکرات و فرهنگ حاکم بر هنرمندان، نمی‌توان انتظار اتفاق خاص مثبتی داشت لذا نیاز به تحولات، حرکات و جریان‌های سازنده در حیطه‌ی تفکر و علوم انسانی احساس می‌شود. سال‌هاست که بومی نبودن علوم انسانی، ترجمه‌ای بودن بخش‌های وسیعی از آن و نیاز به اصلاح و تحول آن، دغدغه‌ی مهم رهبر معظم انقلاب می‌باشد و با لحن‌های مختلف در جمع مسئولین و اساتید حوزه و دانشگاه، توجه آن‌ها را به این مهم جلب کرده‌اند و حتی گاهی از تعداد بالای دانشجوی در حیطه‌ی علوم انسانی که بیش از نیمی را شامل می‌شوند ابراز نگرانی کرده‌اند. در یکی از دیدارها با اساتید دانشگاه، این چنین فرموده‌اند: «بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عینا ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، درواقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست! این ازجمله‌ی چیزهایی است که بایستی موردتوجه قرار بگیرد؛ هم در مجموعه‌های دولتی مثل وزارت علوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در هر مرکز تصمیم‌گیری که در اینجا وجود دارد؛ اعم از خود دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها.»

و یا در جای دیگری در جمع اساتید و دانشجویان این چنین فرمودند: «هرچه می‌توانید بیشتر بیاموزید و تحقیق کنید. البته همان‌طور که گفتم، اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آن‌هاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها

به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان‌طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هرچه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است. امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از این‌ها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت‌پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از دهان یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند؛ حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده! از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یک مطلبی را چهل، پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمده‌اند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا، تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست‌یافته و به‌عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به به و چه‌چه آن را به خورد دانشجو و شاگرد و محیط خودش می‌دهد؛ از این قبیل هم داریم. چه قدر براساس همین نظرات اقتصادی غربی، بانک جهانی و مجامع پولی و مالی جهانی به ملت‌ها و دولت‌ها برنامه‌ها دادند و چقدر از طرف خود غربی‌ها علیه آن‌ها موارد نقض نوشته‌شده! باز هم کسانی را داریم که همان توصیه‌ها را می‌آیند عینا تکرار می‌کنند و عینا همان نسخه‌ها را می‌نویسند. این غلط است. تحقیق علمی به معنای فقط فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شماست.»

خلاصه‌ی نکته‌ی دوم این است که به نظر، منطقی می‌رسد که تا شاهد تحول، اصلاح و رشد علوم انسانی و تفکرات حاکم نباشیم، شاهد اصلاحات عمده و سازنده در حیطه‌ی هنر هم نخواهیم بود و این، همت همگان از جمله مسئولین و اساتید حوزه و

دانشگاه و نخبگان این عرصه و همکاری فرهیختگان و اندیشمندان هنر را می‌طلبد. ضمن اینکه باید توجه نمود در عین نقد و روشنگری و بیان حقایق و کاستی‌ها، به سیاه‌نمایی و یأس کشیده نشویم و در فضای از امید، به تبیین و معرفی جایگزین در جهت ارتقای هنر بتازیم. سطور حاضر را با کلام مقام معظم رهبری (در جمع مسئولین فرهنگی و هنرمندان) خاتمه می‌دهم: «امروز از ابزار معنوی (یعنی از ابزار فرهنگ و هنر) دارد علیه ارزش‌های والای بشری و اعتقادات انسانی و ادیان آسمانی و خواست‌های انسان‌ها، حداکثر استفاده می‌شود! تصور من این است و امیدم به این قشر و این نسل است که حقیقت را شناخته‌اند. البته، همیشه در دنیای هنر، در سراسر دنیا کسانی هستند و بوده‌اند که علی‌رغم این حرکت ظالمانه، کارهایی انجام داده‌اند. نمی‌شود گفت که صحنه و عرصه‌ی هنر یا فرهنگ به کلی خالی از گرایش‌های حق‌طلبانه است. اما هر کاری که انجام بگیرد، کم است. به نظر من، در این زمینه، هنرمندان و اصحاب فرهنگ در کشور ما، مسئولیت مهمی دارند. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها هم این است که این جوان‌های تازه‌رس و تازه‌کار و تازه‌وارد میدان هنر شده را، در مقابل ابهت کاذب آن کسانی که مایه‌هایی از هنر دارند- بعضی هم ندارند. بعضی هم فقط اسم دارند و حقیقتا مایه‌ی هنری ندارند. لیکن با همان اسم هنری خودشان که سعی هم می‌شود به‌زور، بزرگ داشته و زیادی تفخیم بشود- مصنوعیت بیخشند. آن‌ها روی هنرمندان جوان و هنرمندان در بین راه ما فشار می‌آورند. سعی شود از این جوان‌ها حمایت بشود؛ هم حمایت معنوی، هم حمایت مادی. به ایستادگی، به استقلال، به حرف زدن با همان زبان هنر و سخن گفتن از حقایقی که به آن‌ها اعتقاد دارند، تشویق بشوند. چرا این حقایق را پوشیده نگه می‌دارند؟! من می‌بینم امروز بعضی از هنرمندهای مؤمن، حرف را که در دلشان درصحنه‌ی هنر هست، می‌ترسند بگویند و بیان کنند! چرا؟! چرا باید اینجوری بشود؟! بالاخره، این مسئولیت مهمی است. امروز هرچه از هنرمند مسلمان، تجلیل و هرچه هنرمندان مسلمان، تشویق بشوند، جا دارد. این، یک وظیفه‌ی بزرگ است. این، یک کار فرعی و حاشیه‌ای نیست؛ یک کار اصلی است...»





## رخ کمتر دیده شده ی تئاتر غرب

نگارگری



مریم فرهنگ

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

### قسمت اول

در ایران نام هنر مغرب زمین گره خورده با موضوعات اومانیستی و یا سکولاریستی است، اما حقیقت آن است که هنر غرب رخ دیگری هم دارد که در ایران کمتر به آن توجه شده است؛ رخ ناپیدای هنر غرب در ایران همان رخی است که نه تنها وجود خدا را انکار نمی‌کند، بلکه به حضور مقتدرانه‌اش در زندگی بشر اذعان دارد، همان رخی که تاب و تحمل یکه‌تازی‌های کاپیتالیسم و غول‌های سرمایه‌داری را ندارد و بر علیه‌اش قلم می‌زند، همان رخی که بر سیاست‌های خودخواهانه‌ی سیاست‌مداران جنگ ستیز غربی می‌ستیزد و داد عدالت‌خواهی و برابری و برادری سر می‌دهد، رخی که آزادانه بر علیه هر آنچه رنگ تبعیض و ناجوامردی است می‌ستیزد، خواه می‌خواهد آن ظلم در کشور مسلمان‌نشین همچون فلسطین رخ بدهد.

اینکه چرا در تئاتر ایران همیشه رخ اومانیستی هنر غرب دیده شده است، جای سؤال دارد، شاید مترجمین و کارگردانان و دست‌اندرکاران تئاتر همواره آن رخی از غرب را نشان داده‌اند که برایشان خوش‌ایندتر بوده است، اما حقیقت آن است که رخ دیگر هنر مغرب زمین اگر از رخ همیشه دیده‌شده‌اش جذاب‌تر نباشد، قطعاً به همان اندازه جای دیده شدن دارد.

در مقاله پیش‌رو سعی کردیم در حد وسیع و توان، آن رخی از هنر غرب را که در تئاتر ایران کمتر دیده شده است را بازخوانی کنیم تا شاید انگیزه‌ای برای خواندن متونی باشد که در ایران مورد بی‌مهری قرار گرفته است. از نگاه برخی ناظران این مسئله بسیار غریب به نظر می‌رسد که در تئاتر مدرن و پسامدرن اروپای قرن نوزدهم به‌سادگی ممکن است نقش‌مایه‌ی قدرتمندی از معنویت دینی جستجو کرد.

شود، درحالی‌که اقرار به وجود نیرویی غایی و دست بالاتر در عالم می‌کند.

شاید به نظر برسد کلمه‌ی امپریالیسم فقط برای ما ایرانیان یاد آورد حکومت‌هایی زیاده‌خواهی همچون آمریکا است. اما حقیقت آن است که حتی امپریالیسم کلمه‌ی بسیار ملموسی برای نویسندگان آمریکایی، نویسندگانی که ظلم سیاست‌مداران بر مردم آمریکا را درک کرده‌اند؛ آرتو میلر به‌عنوان یکی از سیاسی‌ترین نویسندگان آمریکا است که در ایران با نمایشنامه‌ی مرگ فروشنده‌اش شهرت دارد، میلر بیش از ۵۰ نمایشنامه دارد که تنها تعداد کمی از آن‌ها در ایران ترجمه شده است و شاید کمتر کسی بداند که میلر بارها به خاطر نمایشنامه‌هایش به دادگاه احضار شده و حتی یکبار محکوم و به زندان انداخته شده است. میلر در سخنرانی‌هایش بدون هیچ ترسی سیاستمداران آمریکایی را «فاحشه‌ی سیاسی» می‌خواند و با نوشتن نمایشنامه‌هایش عملاً با روش حکومتی سیاست‌مداران مبارزه می‌کند، میلر با نوشتن نمایشنامه‌ی «ساعت آمریکایی» به دغدغه‌های دوران نوجوانی و تصویر تلخ گذشته آمریکایی خود پاسخ می‌دهد. میلر می‌گوید: «در هفده‌سالگی بود که شروع به مطالعه کردم؛ یاد می‌آید که اغلب رمان‌هایی را که می‌خواندم از خودم می‌پرسیدم: این قهرمانان شغلشان چیست؟ چه وقت کار می‌کنند؟ چگونه این دنیا می‌تواند شخصیت اشخاص را تغییر دهد؟ و به‌خصوص چگونه ممکن بود انسان این دنیا را تغییر دهد؟ این پرسش مرا شیفته‌ی خود می‌کرد. آدم‌های نسل من، گذشته‌شان را فراموش کرده‌اند یا خواسته‌اند آن را محو کنند. این یک پدیده‌ی آمریکایی است. برای آدم‌های نسل من رؤیای آمریکایی یک باور، یک نیروی حیاتی بود و اکنون این رؤیا درهم‌شکسته است و آمریکایی‌ها دیگر نمی‌خواهند به گذشته بنگرند. چرا؟ چون غول بزرگ سرمایه از میان نکبت گذشته است. انسان‌های بسیاری را له‌لورده کرده، غرورشان را در هم کوبیده و بی‌تفاوت از کنارشان گذشته است. میلر با نمایشنامه‌ی «ساعت آمریکایی» گویی آینه‌ای به دست گرفته تا چهره‌ی حقیقی همیشه بزک شده‌ی آمریکا را نشان دهد.

و قدرت الهی که خارج از قدرت و توان انسان است پرداخته است. موضوع نمایشنامه اقدام شجاعانه‌ی خلبانی است که جرئت کرد به‌عنوان نخستین فرد در تاریخ با هواپیما از اقیانوس بگذرد، این نمایشنامه گفتگوی میان انسان و ماشین را عرضه می‌کند و با سبکی برشتی ستیز خلبان با سرما، مه، توفان، یخ، ضعف جسمانی و در آخر نقص ماشینی که باعث مباحث بشر زمان خود بوده است را به چالش می‌کشد؛ انسان و ابزار فنی در هم ذوب می‌شوند. درون‌مایه مرکزی این نمایشنامه، تلاش برای چیرگی بر طبیعت است و تسلط خردگرایانه بر فن و تلویحا بر جامعه را می‌نماید و در این راه همه‌چیز یکسره سکولار و بشری است. خلبان درجایی از نمایش اعلام می‌دارد: «وقتی پرواز می‌کنم یه ملحد واقعی‌ام» اما زمانی می‌رسد که هواپیما پایین و پایین‌تر می‌رود و تقریباً به آب می‌خورد. وقتی مرگ و فاجعه تنها در لحظه‌ی آخر از سر گذرانده می‌شود خلبان فریاد می‌کشد: «خدای من خیلی نزدیک بود.» در انتها وقتی خلبان به سلامت به مقصد می‌رسد و جمعیتی مشتاق استقبال از او به‌عنوان قهرمان‌شان هستند، می‌خواهد که بی‌درنگ پنهان شود. او می‌گوید: «هیچ‌کس نباید ضعف طبیعی من رو ببینه» ناقهرمان مدرنیته می‌خواهد پنهان

در دهه‌ی ۱۹۳۰ در فرانسه گروهی از نویسندگان، من‌جمله ژرژ باتای و میشل لریس، پرسشی را مطرح کردند که برگرفته از آموزه‌های امیل دورکهام بود: آیا در جامعه‌ی مدرن جایی به نام امر قدسی وجود دارد؟ و پاسخ همه این بود: آری امر قدسی در جامعه‌ی نوین عقل زده‌ی ما هم وجود دارد، هر چند اغلب مغفول و ناشناخته است. آن‌ها پس‌از آن به نگاشتن آثاری با محوریت امر قدسی پرداختند.

اما حقیقت آن است که نویسنده‌ی برجسته و صاحب نامی چون «برتولت برشت» تعداد زیادی نمایشنامه با تم دینی را درست در زمانه‌ی اوج اغتشاشات سیاسی نوشت؛ در دوران جنگ‌های خیابانی، گسترش فاشیسم و دودستگی عمیق در نهضت کارگران که سایر نویسندگان را بر آن وامی‌داشت تا در رابطه با موضوعات روز دست‌به‌قلم ببرند اما علی‌رغم این شرایط برشت علاقمند به نوشتن آثاری با تم دینی و خداباورانه بود، به همین خاطر است که در آثار برشت وجود مایه‌های دینی آئینی بسیار آشکار و پررنگ است. نمایشنامه‌ی «پرواز به آن سوی اقیانوس» یکی از نمایشنامه‌های اوست که آشکارا به نبرد انسان با نیروهای طبیعی درون و بیرون





علی حسینی

هنر پیت



دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی

## در باب دانشگاه انقلابی

قبل افراد قوی حاصل می‌شود. به طور مثال هویت من با توجه به ایرانی بودنم تعریف می‌شود. در حالیکه فردی مثل امام خمینی (ره) هویت جامعه ایرانی است. یعنی جامعه ایران با امام خمینی (ره) تعریف می‌شود. در یونان مثلا، اعتبار جامعه از امثال سقراط و افلاطون و ارسطو حاصل می‌شود ولی در عین حال میلیون‌ها یونانی در گذر زمان اعتبار خودشان را از هویت یونان و جامعه یونان به دست می‌آورند. در هر جامعه‌ای همین است. جوامعی که تاریخ دارند، اعتبار خود را از انسان‌های بزرگ (خوب یا بد) کسب می‌کنند در حالیکه انسان‌های دیگر که ضعیفند اعتبار خود را از جامعه کسب می‌کنند. بر همین اساس ما می‌توانیم بگوییم در نهایت اصالت با انسان است چون این انسان که باقی می‌ماند و حتی به جامعه اعتبار می‌دهد.

اما بحث فوق که مقدمه‌ای برای بحث بعدی است. بحثی حول کارکرد دانشگاه انقلابی! دانشگاه انقلابی چگونه انسانی می‌سازد؟ دانشگاه انقلابی افرادی می‌سازد هویت‌ساز، یعنی افرادی که آبروی جامعه خویش باشند، هویت تاریخی جامعه را بسازند، اثر گذار باشند و نامشان بر تارک آن جامعه نقش ببندد و در وسعت تاریخ بنام شوند. جامعه انقلابی ایدئولوژیست می‌سازد و نه افرادی ایدئولوژی زده. جامعه انقلابی مردانی می‌سازد که هر روز انقلابی برپا کنند و جامعه را هر روز با روحی تازه، طراوت ببخشند. اما امروز می‌بینیم که اساتید ما هم، حتی قدرت اندیشیدن به تغییر را ندارند. البته در نوشته‌هایشان آن چیزی که موج می‌زند مجموعه‌ای است از «غر»ها به شرایط موجود؛ اما دروغ از اندکی حرکت. آنچنان غرق در نگارش مقاله و دغدغه پذیرش از ژورنال‌هایی که خود داور همان‌ها هستند شده‌اند که شرایط آرمانی‌شان چیزی بیشتر از «پروفیسور شدن» نیست. دانشجویان هر چه بیشتر درس می‌خوانند بیشتر قدرت تفکر نقادانه را از دست می‌دهند و کمتر به چیزی جز نظریاتی که در کتاب‌های چند دهه پیش آمده است می‌اندیشند. دانشگاه مبدأ تحولات است؛ اما کدام دانشگاه؟ دانشگاه انقلابی و نه دانشگاهی که تمام دغدغه‌اش ISI باشد! خوب

کمتر غر بزیم! بیشتر به این پردازیم که مختصات چنین دانشگاهی چگونه تعریف می‌شود؟ در همین ابتدا بگوییم که درست نمی‌دانم. ولی می‌دانم که نبود دغدغه مالی و مهم‌تر از آن نبود حرص مالی از اولیات چنین دانشگاهی است. اگر انقلاب به خاطر نبود پول باشد، با رسیدن به پول هم تمام می‌شود. پس هم باید پول باشد و هم حرص نسبت به آن نباشد تا از سطح اول نیازها کمی بالاتر برویم. دوم آنکه دانشگاه برای خود مسئولیت اجتماعی قائل باشد. یعنی هم نقد وضع موجود باشد و هم مسئولیت وضع موجود را تا حدی متوجه خود سازد. اگر دانشگاه نقاد وضع موجود نباشد که هیچ؛ ولی معطل است! اما اگر نقاد باشد اما همه را مقصر بداند جز ساختار دانشگاه را، به فکر تغییر درونی هم نخواهد افتاد. مورد بعدی آنکه دانشگاه باید اثر اجتماعی سیستماتیک داشته باشد. یعنی نه یک فرد خاص بدرخشد و ماه مجلس شود، بلکه تولید افراد دارای اثر اجتماعی فعالیت روزمره دانشگاه باشد. دیگر آنکه دانشگاه یک سیستم بسته نباشد. البته که هیچ دانشگاهی سیستمی بسته نیست. حداقلش آن است که دانشگاه مستعدین را جذب می‌کند و افراد دارای مدرک تحویل جامعه می‌دهد. اما دانشگاه بسته آن است که خروجی‌هایش هیچ ربطی به نیاز جامعه نداشته باشد. خروجی دانشگاه بعد از فارغ التحصیلی نباید با جامعه احساس غریبی کند. دانشجوی دانشگاه انقلابی و همچنین استاد چنین دانشگاهی در جهان زیسته‌ی خود را در متن جامعه تعریف می‌کند.

البته می‌توان به این لیست موارد دیگری را نیز اضافه کرد، اما سردبیر محترم امر کرده‌اند در حدود ۹۰۰ کلمه فقط مطلب بنویسم. خلاصه آنکه دانشگاهی انقلابی است که به طور سیستماتیک افراد هویت‌ساز تربیت کند و نه هویت‌گیر!

یکی از مباحث ریشه‌ای در علوم اجتماعی، رابطه فرد و جامعه است؛ از این منظر که فرد اصالت دارد یا جامعه؟ شهید مطهری نظریات مختلف در این زمینه را به ۴ دسته تقسیم می‌کند. عده‌ای که فقط به فرد اصالت می‌دهند؛ عده‌ای که فقط به جامعه اصالت می‌دهند؛ عده‌ای دیگر که به هر دو اصالت نمی‌دهند. خود شهید مطهری به تبعیت از مشی علامه طباطبائی در دسته‌ای قرار می‌گیرند که هم به فرد و هم به جامعه اصالت می‌دهند. می‌توانیم آیت الله جوادی آملی را هم در همین دسته قرار بدهیم. ولی به طور مثال علامه مصباح یزدی اصالت را به فرد می‌دهد. و مارکسیست‌ها اصالت را به جامعه داده و لیبرال‌ها نیز به فرد اصالت می‌دهند.

به نظر نگارنده نیز اگر درست نگاه کنیم، در نهایت این فرد است که اصالت دارد. چون با پایان یافتن دنیا، و ورود به جهان باقی، دیگر جامعه وجود نخواهد داشت. خداوند هم در روز واپسین از افراد سوال خواهد کرد و نه از جوامع. البته به شرایطی که جامعه برای فرد ایجاد می‌کند توجه خواهد شد اما از خود جامعه سوالی نمی‌شود. یعنی این‌گونه نیست که جامعه ایرانی به صورت یک انسان مجسم شده و مورد سوال واقع شود. پس در نهایت انسان است که مورد سوال واقع خواهد شد. پس انسان اصالت ذاتی دارد و اصالت جامعه به نسبت قدرت نفسانی انسان تعریف خواهد شد. اما این یعنی چه؟

اصالت جامعه با توجه به فرهنگ، نهادها، و اعتباری که فرد از جامعه دریافت می‌کند تعریف می‌شود. فرد چه زمانی اعتبار خود را از جامعه دریافت می‌کند؟ زمانی که ضعیف باشد. بسیاری از انسانها ضعیف هستند و به همین دلیل از جامعه خود اعتبار می‌گیرند. و این در حالی است که اعتبار جامعه از



خطبه های انتظار!



احمد فرهنگ

دانش آموخته دکترای فلسفه دانشگاه

تربیت مدرس

آفرین بر تو ای غزال سخن

خطبه هایت به نزد ما روشن

از نگاه تو عشق می ریزد

می نشانی تو صید بر دامن

از پس انتظار رخ بنما

سر راهم! سری بزن بر من

آشنا کن به نور معرفتم

سوختم سوختم! میان این گلخن

همچو صیاد شهر لطف و صفا

دور کن زین دیار، زاغ و زغن

جمعه ها دل دهیم و دل گیریم

من و تو هر دو چاک پیراهن

می ستایم تو را به شعر و غزل

با زبان دری، ولی الکن.

تا نیایی مرا خلاصی نیست

منم و جنگ دیو و اهریمن!

انتظار



محمد مهدی سیار

دانش آموخته دکترای فلسفه دانشگاه

تربیت مدرس

دلَم امروز گواه است کسی می‌آید

حتم دارم خبری هست، گمانم باید...

فال حافظ هم هر بار که می‌گیرم باز

«مژده ای دل که مسیحا نفسی...» می‌آید

ماه در دست به دنبال که این‌گونه زمین

مست، می‌گردد و یک لحظه نمی‌آساید؟!

باید از جاده بیرسم که چرا می‌رقصد

مست موسیقی گامی شده باشد شاید!

گله کم نیست ولی لب ز سخن خواهم

بست

اگر آن چهره به لبخند لبی بگشاید





## رهبان معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی از حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری تشکر و قدردانی کردند

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است؛

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران

جشن حماسی انتخابات دیروز، بار دیگر گوهر درخشان عزم و اراده ملی را در برابر چشم جهانیان به جلوه آورد. مشارکت گسترده و پرشور شما و هجوم مشتاقانه به مراکز رای گیری، و تشکیل صفهای طولانی برای رسیدن به صندوق های رأی در همه جای کشور، و از همه قشرهای اجتماعی، نشانه ای آشکار از استحکام پایه های مردم سالاری اسلامی و دلبستگی همگانی به این موهبت بزرگ پروردگار بود و ایران و ایرانی را در آزمون میدان عمل، سرفراز و روسفید کرد. دیروز با این حضور متراکم و افکندن بیش از چهار میلیون برگه رأی در صندوق ها، نصاب تازه ای در انتخابات ریاست جمهوری پدید آمد و پیشرفت روزافزون ملت ایران را در عرصه حضور و بروز قدرتمندانه نشان داد. ایران اسلامی بار دیگر بدخواهان و کینه ورزان و حسودان را عقب نشانید و دل دوستان و تحسین کنندگان خود را لبریز از شادی و افتخار کرد. پیروز انتخابات دیروز، شما

مردم ایرانید و نظام جمهوری اسلامی است که به رغم توطئه و تلاش دشمنان، توانسته است اعتماد این ملت بزرگ را به طور فزاینده جلب کند و در هر دوره درخشش تازه ای نشان دهد. آزمون برجسته دیروز تنها مشارکت گسترده نبود، آرامش و متانت و نجابت شرکت کنندگان که امنیت انتخابات را تضمین کرد، نیز بخش مهمی از این آزمون خیره کننده بود. همه قشرها، همه سلیقه ها، همه گرایش های سیاسی در کنار هم به صحنه آمدند و دوشادوش یکدیگر به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند.

اینجانب با خشوع در برابر خدای بزرگ، جبهه سپاس بر خاک می سایم، و لطف و رحمت و پاداش شایسته برای ملت ایران مسئلت می نمایم و به پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه عرض سلام و اخلاص می کنم و نکاتی چند را متذکر می شوم؛

۱- به مردم عزیز، عرض می کنم خدای را بر موفقیت در برگزاری انتخابات شکرگزاری و پس از التهاب روزها و هفته های پیش از انتخابات، اکنون به اتحاد و اتفاق عمومی بیاندیشید که بی شک یک عامل مهم استحکام و اقتدار ملی است. همه در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی و فرزندان این میهن سرفرازید، بکوشید تا سهم خود

از وظیفه پیشبرد کشور به سمت هدف های بزرگ را بشناسید و دنبال کنید. برآمدن همه آرزوهای ملی در گرو چنین اندیشیدن و چنین عمل کردن است.

۲- به رئیس جمهور محترم و همه کسانی که در دولت آینده شرکت خواهند داشت سفارش و تأکید می کنم که کار و تلاش پرانگیزه و اندیشیده و جوانانه را برای برطرف کردن مشکلات کشور در پیش گیرند و لحظه ای از این خط مستقیم غفلت نکنند. رعایت قشرهای ضعیف، توجه به روستاها و مناطق فقیر، در نظر گرفتن اولویت ها، برخورد با فساد و با آسیب های اجتماعی، باید در صدر برنامه ها قرار گیرد.

۳- عزت ملی و رعایت حکمت در ارتباطات جهانی و اهتمام به اقتدار بین المللی نیز از جمله اولویت های مدیریت انقلابی و اسلامی است.

۴- لازم می دانم از یکایک آحاد شرکت کننده در انتخابات و نیز کسانی که در ترغیب آنان به این وظیفه نقش آفریدند تشکر کنم، به ویژه مراجع معظم و علماء اعلام و نخبگان دانشگاهی و سیاسی و فرهنگی و هنری.

۵- لازم می دانم از حضرات نامزدهای

ریاست جمهوری نیز که در این روشنگری و شورآفرینی برای انتخابات تأثیر جدی بر جای نهادند تشکر کنم.

۶- لازم میدانم از همه دست اندکاران اجرا و نظارت انتخابات ریاست جمهوری و نیز انتخابات شوراهای شهر و روستا که متحمل زحمات طاقت فرسا شدند تشکر کنم.

۷- لازم می دانم از حافظان امنیت انتخابات و نیز از رسانه ملی که انتخابات پرشور، موهون تلاش شبانه روزی و هنرمندانه آنان است سپاسگزاری کنم.

۸- در پایان، خود و همگان را به تقوا و تلاش در راه وظیفه الهی و اجتماعی و پایبندی به مسیر انقلاب که میراث ارزشمند امام خمینی بزرگ و شهدای گرانمایه است دعوت می کنم و شادی روح و علو درجات آنان را از خداوند متعال مسألت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمت الله

سیدعلی خامنه ای

سی ام اردیبهشت ماه / ۱۳۹۶

## توازن یا تناسب، عنصر موفقیت در دولت دوازدهم

یادداشت



حمید مافری

سردبیر

موضوع ناشی از بیانات مقام معظم رهبری بود که بارها تأکید نمودند که تمام نامزدها به درد محرومان و به موضوع اشتغال رسیدگی کنند. اما اساسا سوال مهمی که وجود دارد این است که آیا دولتمردان ادوار مختلف کشور با توازن و تناسب به امور کشور رسیدگی نموده اند؟! آیا واقعا درک موضوع و شناخت و اولویت سنجی موضوعات کشور کار سختی است یا چه عواملی مانع از ایجاد توازن در اولویت های کشور می شود؟ بگذارید به شکل دیگری بیان کنم: دولت یازدهم مهمترین تمرکزش طی سال های گذشته از منظر توده مردم موضوع هسته ای کشور و در مرحله بعدی مهار و کاهش تورم و نیز طرح تحول سلامت بود که دستاوردهای خوبی نیز در هر حوزه بدست آمد و رضایت عمومی بالایی در این زمینه ها بدست آمد و شاید نتوان مورد دیگری را در حد این سه موضوع بیان نمود که وجهه همت و تمرکز دولت بوده باشد. در دولت دهم اما وجهه همت دولتمردان به طور عمده بر چند محور متمرکز بود که از جمله مسکن مهر، پرداخت یارانه و رشد علمی کشور در مرکز توجهات بود. شاید قبل تر از آن نیز در دولت اصلاحات عمده تمرکز بر روابط خارجی ایران و مسایل اجتماعی-سیاسی بود. موضوع آنجاست که دولت های متنوعی که در طی سال های گذشته زحمات و فعالیت های زیادی داشته اند و قطعا در زمینه های مختلف قابل قدردانی و ماجور هستند اما همواره با تمرکز بیش از حد در دو سه مقوله اصلی، به سایر موضوعات کم توجهی شده و هر بار این کم توجهی طولانی مدت شده است منجر به یک بحران یا نقد شدید از سوی مردم شده است.

مثال عینی که می تواند در وجه شباهت این عدم توازن مطرح شود، آن است که همگان بر اهمیت ورزش در زندگی واقفند اما توجه بیش از حد به ورزش موجب کوتاهی فرد در سایر زمینه ها مثل تحصیل، تهذیب نفس، تقویت روح، پژوهش و فناوری، تحصیل درآمد و ابعاد دیگر وجودی انسان می شود و اگر چه ممکن است آن فرد دارای ماهیچه های بسیار قوی شود اما قطعا یک متخصص ریاضی یا فیزیک یا اقتصاد یا سیاست و یا حتی یک تاجر خیره نخواهد شد. بالعکس، وقتی جوانی بیش از حد به مطالعه و تحقیق و پژوهش بپردازد قطعا دارای مغز فعال و قوی خواهد شد اما به دلیل محدودیت های زمانی از ورزش به اندازه کافی یا از تجارت و کسب و کار دور خواهد ماند و قطعا دارای ماهیچه های عضلانی قوی نیست. آنچه در دولت ها شاهد آن بوده ایم از نظر نگارنده قطعا توجه بیش از حد دولت ها به یکسری موضوعات و مغفول ماندن سایر مسایل بوده است که گاهی به نقاط ضعف شدید آنها بدل گشته است. جالب تر آنکه با دقت در برخی از دلایل این رخداد به وضوح مشخص می شود که این عدم توازن و تناسب در توجه به تمامی مسایل جامعه در نگاه دولت ها تا حدود زیادی به افراد کابینه دولت ها باز می گردد و گاهی به نگاه شخص رئیس دولت. به عبارت دیگر زمانی که در کابینه رئیس جمهور یک یا چند وزیر پرتلاش یا صاحب تفکر قوی در یک حوزه خاص وجود دارد، آن حوزه به مرور زمان به نقطه افراطی توجه دولت مذکور تبدیل می شود و سایر حوزه ها حتی با وجود اهمیت ذاتی بسیار بیشتر مورد غفلت واقع می شوند.

نگاهی به دولت یازدهم به خوبی نشان از حضور افراد صاحب ایده و فعال تر در حوزه بهداشت و اقتصاد و سیاست خارجی نسبت به حوزه هایی همچون آموزش و پرورش، صنعت و یا شاید علوم دارد که موجب گردیده است تا بیشترین بودجه ها و تمرکز و توجه مثلا به وزارت بهداشت معطوف شود و حوزه هایی چون وزارت علوم که باید بالاترین هزینه ها در این بخش صورت گیرد تا تمامی مشکلات کشور از این طریق حل گردد در غربت به سر می برد. این موضوع قطعا خاص دولت یازدهم نبوده و نیست و نمونه بارز آن در دولت دهم در مورد توجه به مسکن مهر و یارانه دیده شد که موجب غفلت شدید از وضعیت اقتصاد و تورم افسار گسیخته گردید و مشکلات فراوانی به بار آورد. در مجموع با توجه به تجربیات بدست آمده دولت های مختلف در مشاهده عینی نمونه های مذکور، امید داریم تا دولت دوازدهم بتواند توازن و تناسب واقعی و بهتری در بخش های مختلف را رعایت و حاکم کند تا مشکل افراط و تفریط در سطح موضوعات و اولویت های کشور پیش حوزه هایی مثل اشتغال دانش آموزان دانشگاه ها، جذب اعضای هیات علمی جوان و پرانگیزه، یا رکود، بیکاری و ازدواج جوانان بوجود نیاید. از خداوند نیز توفیق موفقیت در همه زمینه ها برای دولت دوازدهم به پشتوانه آرا مردمی داریم ان شاء الله.



محمدعلی نژادیان

عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

# آمریکا با هیچ کس نیست!



مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَنِيَّانًا وَأَنْ أَوْهَنَّ الْبُيُوتَ لَبِيتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ  
مَثَلُ حَالِ أَنَانَ كَمَا خَدَّاهُ فَرَامُوشُ كَرْدَهُ وَغَيْرِ خَدَّاءَ بِه دُوسْتِي وَ سِر پَرَسْتِي بَر گِر فِتَنَد (در سستی و بی بنیادی)  
حکایت خانهای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانند سست ترین بنا خانه عنکبوت است.

## پروژه قرن جدید آمریکایی و ایجاد خاورمیانه بزرگ و جدید

یکی از عوامل مهمی که می تواند برخی از مسئولین و مردم را به سوی (اقتصاد مقاومتی) سوق بدهد رسیدن به این نتیجه است که برای حل مشکلات و پیشرفت کشور نگاه به آمریکا اشتباه بزرگی است. البته طبق یکی از بندهایی (سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی) که توسط مقام معظم رهبری در ۱۳ آبان ۱۳۸۲ به سران قوای سه گانه ابلاغ شد، جامعه ایرانی باید (داری تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت) باشد. قابل ذکر است که این عبارت یعنی با جهان تعامل داشته باشیم ولی باید (هوشیارانه) باشد!

از این رو اگر برگه های تاریخ را ورق بزنیم خواهیم دید که آمریکا کارنامه و سابقه درخشانی نسبت به کشورهای خاورمیانه و مخصوصاً ایران ندارد و تجربه ثابت نموده که آمریکا به فکر (گسترش عدالت، پیشرفت و استقلال) کشورهای دیگر نبوده و نخواهد بود. زیرا آقای اوباما نیز که با شعار (تغییر) آمد در عمل همان سیاست های خصمانه قبلی سیاستمداران دیگر را با روش ها و ادبیتای دیگر نسبت به ایران و کشورهای منطقه اجرا کرد!

حال اگر برحسب زمان از (اسرائیل، عربستان و برخی از کشورهای دیگر) دفاع می کند و یا اگر به ایران و بعضی کشورهای دیگر حمله دیپلماسی یا نظامی می کند و یا بعضاً جنگ های نیابتی راه می اندازد فقط به خاطر منافع خودش است و اکثر درگیری های ایجاد شده در خاورمیانه و...

در دهه های گذشته یک سر آن به آمریکا و یا مزدوران آن ها بازمی گردد که دلیل اصلی آن (ایجاد خاورمیانه بزرگ و جدید) برای تسلط و بهره برداری بهتر، از این منطقه بوده است.

### سیاست ها و دست های پشت پرده ای آمریکا:

شایان ذکر است که علاوه بر تجربه های تاریخی می توان به "پروژه قرن جدید آمریکایی" که در سال ۱۹۹۷ جهت تسلط آمریکا بر جهان شکل گرفت نیز استناد نمود. این پروژه توسط برخی از سیاستمداران آمریکا مطرح شد. آن ها در سپتامبر ۲۰۰۰ برنامه ای اصلی خود را در گزارشی تحت عنوان (بازسازی سیاست های دفاعی آمریکا: استراتژی، نیروها و منابع برای قرن جدید) با این مقدمه منتشر کرد: (ایالات متحده تنها ابرقدرت جهان است و این کشور با داشتن قدرت نظامی برتر، رهبری تکنولوژیکی دنیا و برخورداری از بزرگترین اقتصاد دنیا، باید استراتژی خود را بر حفاظت و گسترش موقعیت خود بنا کند). در این گزارش اشاره شده بود که (برای انجام چنین پروژه ای نیاز به مدت زمان طولانی و وقوع برخی وقایع فاجعه آمیز است!) حال این خود سندی بر تفکر حکومت حاکم بر آمریکا و دست های پشت پرده آن است که توسط موسسه های تحقیقاتی و اتاق های فکر آمریکا پی ریزی می شود. قابل ذکر است که با پیروزی جورج دبلیو بوش در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰ و ورود به کاخ سفید در سال ۲۰۰۱ آقای (دیک چینی) یکی از مؤسسان اصلی پروژه به عنوان معاون بوش انتخاب شد و مردان پشت پرده در پروژه به سمت های کلیدی در وزارت خارجه و دفاع آمریکا انتخاب شدند. آن ها بلافاصله به تحقق برنامه ای استراتژیک خود پرداختند.<sup>۱۱</sup>

«همچنین یادمان نرود آمریکا صدام و قذافی را که به او اعتماد نمودند سرنگون کرد و اکنون شرایط نابسامان و ناامن این دو کشور را به وضوح می بینیم و این خود گویای یک نتیجه ی بزرگ در تاریخ کشورها است که اعتماد کردن و اعتبار دادن به استکبار، کاری عبث است. زیرا در منطقه خاورمیانه مستکبرین همیشه به دنبال سه دلیل اصلی و مهم بوده اند:

۱- ایجاد جنگ به خاطر فروش تسلیحات.

۲- سرنگون کردن انقلاب مردمی به دلیل اینکه ریشه انقلاب مردمی، خودشناسی است و نتیجه آن استقلال و خودتکایی ملت هاست و این با سیاست چپاول و استعمار ملت های خاورمیانه، توسط زورگویان منافات دارد.

(همان طور که در حال حاضر مشاهده می کنید آن قدرت ها همچنان در خاورمیانه به این سیاست خود ادامه می دهند).

۳- تسلط و چپاول نفت و گاز کشورهای خاورمیانه و بهره های اقتصادی و سیاسی دیگر.<sup>۱۲</sup>

حال این موضوعات نشان می دهد که سیاست آمریکا نسبت به خاورمیانه (تسلط) است نه (اصلاح) و معمولاً این تسلط را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق مزدوران خود مدیریت نموده و از هر روشی که بتواند سعی می کند به اهداف خود برسد.

در نتیجه افرادی که در داخل رابطه با آمریکا را یگانه مسیر پیشرفت ایران می دانند حداقل ظلم های آمریکا به ایران را با دید واقع بینانه تر بررسی نمایند و بحران ها، شرایط و ناهنجاری های سیاسی، اقتصادی و... فعلی این

کشور را مورد ارزیابی قرار بدهند و اسرئیل و عربستان نیز زیاد از لبخندها و حمایت های سیاسی آمریکا خوشحال نباشند چرا که اگر روزی منافع آمریکا ایجاد نماید همان اتفاقی که در عراق و لیبی برای حکومت های آن ها افتاد برای اسرئیل و حکومت حاکم در کشور عربستان نیز خواهد افتاد!

از این رو اگر تاریخ را مرور نماییم و منطقی و بدون حساسیت به سیاست های آمریکا نسبت به همه دنیا بنگریم خواهیم دید بهترین راه حل، مشکلات و پیشرفت کشور (اتکا به منابع و توان داخلی خود و اعتماد نکردن) به سیاست های آمریکا است. همچنین شایان ذکر است که کوتاه آمدن در برابر استکبار، پایان کار نیست بلکه اول کار است و تا سلطه کامل پیدا نکنند دست از فشار و بدعهدی بر نخواهد داشت!

### منابع

- ۱- (سوره عنکبوت، آیه ۴۱)
- ۲- بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانش آموزان و دانشجویان: (۱۳۹۵/۰۸/۱۲)
- ۳- PNAC (Project for a New American Century)
- ۴- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) - موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، یازده سپتامبر و پروژه قرن جدید آمریکایی، علی رضا خوا، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰
- ۵- کتاب موفقیت شناسی دفاع مقدس، محمدعلی نژادیان، انتشارات کارآفرینان بزرگ، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱ و ۱۲۲



## به بهانه انتخابات در نقد فرهنگ سیاسی

روی آگاهی عمیق است؟ غم‌انگیزتر اینکه، این رویداد یکی از کوچک‌ترین رویدادهایی است که به‌عنوان نمونه ذکر کردیم و پدیده‌های این‌چنینی بسیاری در حال رخ دادن در کشورمان است که قابل تأمل و پژوهش است؛ پدیده‌هایی که در ظاهر وجهی سیاسی ندارند اما یا بر سیاست تأثیر گذاشته و یا از آن تأثیر می‌پذیرند، افزایش خودنمایی، جرم و جنایت، خودکشی، تجاوز به عنف، افزایش منازعات اجتماعی و بی‌بندوباری و تغییر نوع نگاه به مفاهیم بنیادین انسان، دین، خدا، آزادی و فرهنگ همگی حکایت از این تغییر دارند. قصد سیاه‌نمایی و نادیده گرفتن ارزش‌های غنی ایرانی-اسلامی را نداریم اما بایست به این نکته واقف باشیم که با گذشت ۴ دهه از انقلاب نتوانسته‌ایم به مقوله فرهنگ سیاسی اهمیت درخور توجه نشان دهیم و کم‌کاری، اشتباهات در این حیطه سبب‌ساز مشکلات فرهنگی این‌چنینی شده است. مشکلات عمیق اقتصادی و تأثیرات آن بر معیشت جامعه و همچنین منازعات عمیق سیاسی در چند دهه گذشته باعث برافراشته شدن دیوار بی‌اعتمادی و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت شده و این مسئله تأثیر بسزایی بر فرهنگ سیاسی جامعه داشته است که بایستی در کانون توجه مسئولین و حتی مردم قرار گیرد، و بی‌توجهی به آن خطرات جدی برای آینده انقلاب اسلامی و جامعه ایرانی-اسلامی در پی خواهد داشت. امید است با طرح موضوعاتی این‌چنینی، حداقل از لاک توهم نارسایم اجتماعی خارج شده و با نگاهی ژرف به مشکلات خود بنگریم و راهکارهای صحیحی برای حل مشکلات اقتصادی-معیشتی و حل منازعات سیاسی درون‌گفتمانی بیابیم. قطعاً نویسنده هم از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

جامعه‌شناختی می‌دهد که در حال افزایش یافتن است. حضور کودکان، سالخوردگان و معرکه بگیران برای کاندیداتوری، به نوعی تمسخر یک ملت، یک سیستم سیاسی و تحقیر شمردن سمت ریاست‌جمهوری و به‌نوعی حتی قانون و قانونگذاران است. البته عملکرد مسئولین و اشتباهاتی که

مشکلات فرهنگی و جامعه‌شناختی جامعه ایرانی-اسلامی امروز را با موضوعیت آگاهی فرهنگی-سیاسی درافکنیم و بگوییم که متأسفانه نوع امتزاج ما با سیاست در وضعیت فعلی، امتزاج همراه با آگاهی کامل از مسائل و مفاهیم حقیقی نبوده و این مسئله عاملی خطرآفرین برای یک ملت است. به‌عنوان

تردم‌نگار



محمدرضا فروغی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی  
دانشگاه تربیت مدرس

از بدو انقلاب تاکنون مرتکب شده‌اند قابل چشم‌پوشی و اغماض در وقوع این رویداد نیست؛ اما چرا بایستی انسان‌هایی از جنس خودمان با خودنمایی افسارگسیخته و برپایی ((شو)) طنز مانند، مرتکب این عمل ناصحیح شوند؟ آیا این مسئله یک افت فرهنگی سیاسی نیست؟ آیا تعبیر مزاح می‌تواند پاسخ قانع‌کننده‌ای به این رویداد باشد؟ آیا این نوع از امتزاج ما با سیاست امتزاجی صحیح و از

نمونه، با نگاهی به کاندید شدن تعداد کثیری از توده مردم در انتخابات ریاست جمهوری (۱۶۳۶ داوطلب به نقل از شبکه خبر) می‌توان متوجه این معضل بزرگ در کشور شد. شاید در وهله‌ی اول حضور این افراد که از عدم تأیید صلاحیت خود به‌خوبی آگاه هستند راه، ناشی از حس شوخ‌طبعی و مزاح ما ایرانیان و یا نگاه تکلیف‌محوری تلقی کنیم، اما این رویداد عجیب، خبر از یک تحول فرهنگی، سیاسی و

مشروطه‌خواهی برای ما ایرانیان همواره امری قدسی، مبهم و تا حدی ناشناخته بوده است و تاکنون که بیش از یک قرن از تاریخ آن می‌گذرد، هنوز نتوانسته‌ایم مختصات نظری، حدود و چارچوب‌های آن‌ها از لحاظ مختلف و به خصوص فرهنگی مشخص نماییم. حضور مردم و امتزاج آن‌ها با سیاست‌ورزی از همان آغاز مشروطه با نوعی بی‌خبری و ابهام در مفاهیم جدید و عمل‌گرایی سیاسی مبتنی بر آن ابهام همراه بود. در حقیقت، جز عده‌ای قلیل، کسی نمی‌دانست برای چه می‌جنگد، برای چه دفاع می‌کند و به چه منظور از مشروطه صحبت به میان می‌آورد. مشروطه‌ی ایرانی بیش از این که از استبداد قاجار و پهلوی ضربه ببیند، از ناآگاهی مردمان گذشته ما از مفاهیم جدید ضربه خورد و درهم‌شکسته شد. علت اصلی شکست مشروطه‌خواهی در این دوران، ناآگاهی بود و این ناآگاهی با فراهم‌آوردن اختلافات و دیگر علل سبب قدرت‌گیری روزافزون مستبدان بر مردم شد. به‌صورت بالعکس، علت اصلی پیروزی انقلاب اسلامی در چندین دهه بعد، اساساً آگاهی مردم و وجود رهبران فکری آگاه (امام خمینی (ره)، علی شریعتی، شهید مطهری) از شرایط و مفاهیم دوران خود بود، و بدین‌صورت مردم حتی باوجود مقاومت استبداد پهلوی، با آگاهی‌هایی که طی ۳ دهه کسب کرده بودند، به تأسیس یک حاکمیت جدید دل سپردند.

صحبت اصلی در این نوشتار توجه مخاطب به تاریخ‌نگاری سیاسی معاصر ایران نیست؛ بلکه در نظر داریم طرحی از



## کوچه پس کوچه‌های عاشقی

و خاطره ساخت و در آخر رفتیم داخل قاب عکسی، کنار دلیندش به بهانه ضمانت دنیایی و شفاعت آخرتی.

بچه‌ها هنوز درگیر عکس گرفتن با حاج خانوم بودن که به ساعت نگاه کردم

استاد هنوز وقت داریم اگه شهید دیگه‌ای هم این دورو برا میشناسین و آدرس دارین برین خونشون؟

استاد مثل همیشه بی‌ریا: چرا که نه بذار الان زنگ میزنم ای بابا شارژ گوشیم تمام شده و شماره‌شان را هم حفظ نیستم. دو شهید میشناسم در همین کوچه پس کوچه‌ها شماره‌شان را هم داشتم ولی الان چکار کنیم؟! رو کردم به بچه‌ها و گفتم عیب نداره میریم خونه برادر جانباز هفتاد درصد نرگس اینا، الان باهاش هماهنگ می‌کنم چون آدرس اونارو هم ندارم ولی هرچقدر تماس گرفتم در دسترس نبود که نبود!

استاد گفت: پاشین جمع کنیم راه بیفتیم دیگه حاج خانم را هم بیشتر از این اذیت نکنیم.

تو کوچه پس کوچه‌های باصفای شهر، قدم می‌زدیم و دنبال یه نشونه بودیم. استاد یکی دوتا آدرس رو پیدا کرد و زنگ در را به صدا

درآورد ولی نبودن یا از اونجا کوچ کرده بودن.

رفتیم و رفتیم تا وارد یه کوچه‌ای شدیم که از کوچهای دیوارای کوتاه خونه پر بود از یه عالمه گلای رنگی رنگی استاد گفت: این دیگه خودش زنگ بلبلای رو به صدا در آورد و صدای مادری که طنین انداخت کوچه رو کیه؟ آموم

در خونه رو که باز کرد با یه بهشت آب و جارو شده روبرو شدیم باغی پر از گل و گیاه و سرسبزی و شادابی، گلایی که فقط این وقت از بعدازظهر نیششونو باز می‌کنن و می‌خندن و اگه بدونین توی خونه و اون حیاط چه خبر بود!

جای همه تون خالی

یاالله

بفرمایید

سلام علیکم

سلام به روی مهمونای مهمونم؟! همه به هم با تعجب نگاه می‌کردیم و تعجبمون بیشتر شد وقتی میز آماده پذیرایی رو جلومون دیدیم و مادری که روی تختش نشسته بود و عکس امام رو بزرگ قاب کرده بود بالا سرش.



شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوژی دانشگاه تربیت مدرس

همینکه رسیدیم سر کوچه چیک چیک چیک چیک بالا چپ راست ...

استاد بسه دیگه!

نه نگران نباشین آخه ان‌شالله قراره مستند بشه. اینم پسره هنرمند و عکاسمه که خیلی بهش زحمت میدم

خب بریم که مادر شهید منتظره درست نیست بیشتر از این منتظر بمونن

یاالله

سلام علیکم

منم که مثل همیشه خود شیرین آخر از همه وارد میشم و آخر از همه هم خارج.

روبروی ما، مادری نشسته بود با قدو قامتی کوچک انگار نه انگار این مرد در قاب، دلیند اوست محکم و مهربان، برایمان خاطره گفت

بفرمایید غربی نکنین.

وای حاج خانوم چه حیاط با صفایی دارین. تنهایی چطور از پششون بر میانین؟

چرا تنهایی عزیزم من اینجا با جونی‌هام زندگی می‌کنم و خداوند منو فدای اون آقای کنه که فرزندانم به امرش فدا شدن. خداوند بر عزت این رهبر و انقلاب اضافه کنه.

دیشب پرسرم گفتم: ان‌شالله امروز قراره مهمون بیاد به خاطر همین براتون حیاط رو آب و جارو کردم و حالا شما اینجایی بعد شما بهم میگین تنها؟!!

و خداوند فقط فهمید در آن لحظات بر ما چه گذشت که نه نرگس جواب می‌داد و نه شارژ گوشه استاد طاقت داشت و نه زنگ خانه‌های اطراف ...

مادر را بوسیدیم و عذر خواستیم مهربانی توی اشک‌هایش هم جاری بود اینقدر با اشک خو داشت که لبخندش هم خیس می‌شد. راست می‌گفت تنها ما بودیم که فکر می‌کردیم دل‌هامون برای شهدا تنگ شده!

آنها که شهد ملاقات را چشیدند حال رخصت زیارت به ما داده بودن.

خدایا یعنی میشه ...

ما که از مادرت شهید جان قول شفاعت گرفتیم. لطفا روی مادر را...

### روشنایی



### فروزان نیک نداف

کارشناسی ارشد بیوشیمی دانشگاه تربیت مدرس

و زندگی دنیا (بدون ایمان و عمل صالح) بازی و سرگرمی است، و یقیناً سرای آخرت برای آنان که همواره پرهیزکاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟<sup>۱</sup>

آدمی همواره باید آگاه باشد که اگر در مزرعه‌ی دنیا به آفات روحی و جسمی خود توجه نکند همچون میوه‌ی به‌ظاهر باطراوت که از درون کرم‌خورده است از مسیر و مقصد واقعی دور می‌شود، در دام انحرافات و شبهات دیگری می‌افتد و گاهی حتی راه بازگشت را نیز گم می‌کند. در حکمت ۴۰۵ نهج‌البلاغه ذکر شده است که روزی عمار یاسر داشت با مغیره بن شعبه بحث می‌کرد، (مغیره یکی از چهارنفری است که به مکر و حیله و زیرکی چونان معاویه، عمر و عاص و زیاد بن ابیه معروف بود و دشمنی خاص با اهل‌بیت داشت) و پاسخ او را می‌داد. امام علی (علیه السلام) به او فرمود: ای عمار، مغیره را رها کن زیرا او از دین به مقداری که او را به دنیا نزدیک کند برگرفته و به عمد حقایق را بر خود پوشیده داشته است تا شبهات را بهانه‌ی لغزش خود قرار دهد.

گاهی فرد به سبب حقد و کینه، علم واقعی به حقایق را نادیده می‌گیرد تا بدانجا که لغزش‌های او بدین سبب او را از مسیر منحرف می‌کند. قلب، کانون حب و بغض در وجود انسان است و باید آن را براساس اسلام تنظیم کرد. زیرا حب و علاقه به چیزی موجب انجام آن می‌شود و بغض و نفرت از چیزی موجب ترک آن می‌گردد و

## گذری بر گناه شناسی



همه جانبه مدارس دختر و پسر، آزادی سرمایه‌داری و یا لغو مالکیت خصوصی، قانونی بودن قماربازی، گناه شمردن ازدواج موقت و آزادی زنا با رضایت و صدها قانون نقض‌کننده احکام الهی دیگر می‌توان اشاره کرد.

در پایان قابل‌ذکر است که یادآور شویم آدمی همواره نیازمند و محتاج خالق هستی است، آن که در خاک بی‌جان می‌دمد و خود فرموده است نیافریدم بیهوده و خلق نکردم الا لبعیدون. پس با تمام هستی همونوا به پیشگاه خدا عرض می‌کنیم:

پروردگارا! گناهانمان را ببخش و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر کافران پیروز بگردان.<sup>۲</sup>

پی‌نوشت:

بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، نهج‌البلاغه و کتاب گناه شناسی محسن قرائتی

(setondnE)

۱- انعام، آیه ۳۲

۲- آل عمران، ۱۴۷

بود و این خود مستلزم شناخت دشمن و شیوه‌های دشمنی اوست. از احادیث جالب اینکه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بنی امیه تعلیم ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند ولی تعلیم شرک را نه، تا اگر مردم را به شرک وادار کردند آن را نشناسند و از روی جهل قبول شرک نمایند. این حدیث بیانگر آن است که شناخت انسان از دشمن و توطئه‌های او چه دشمنان درونی و چه دشمنان بیرونی، چشمان او را در مواجهه با شبهات و خطرات بینا می‌سازد. البته همواره باید متوجه بود که غفلت و گناهان مکرر زنگار روح می‌شوند و گاهی آنجا که باید علم انسان به حقایق به کار بیایند و جلوی انحراف را بگیرند کارگر شده و موجبات شکست انسان را فراهم می‌کنند.

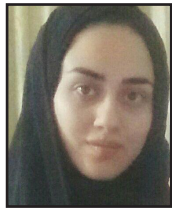
از طرفی قوانین و سنت‌های غلط بشری نیز زمینه‌ساز گناهان مختلف می‌شوند تا آنجا که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: همواره پیدایش فتنه‌ها به سبب پیروی از هوس‌های آلوده و احکام و قوانین مجعول و اختراعی (مانند قوانین بشر) است، احکامی که با کتاب خدا مخالفت دارد و در جوامع امروزی به قوانینی از جمله آزادی بی‌قید زنان و کشف حجاب، لغو قوانین قصاص و حدود و دیات، ازدواج با همجنس، اختلاط

این مسئله به‌قدری مهم است که امام صادق (علیه السلام) در سخنی فرمود مگر ایمان جز حب و بغض است.

کانون دیگری که در وجود انسان سرچشمه کارهای اوست، تفکر و اندیشه است. فکر سالم، محصول سالم و پاک دارد و فکر آلوده بازدهی ناسالم و آلوده خواهد داشت. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: کسی که بسیار درباره‌ی گناه فکر کند او را به گناه سوق می‌دهد. یعنی فکر گناه، کانون تصمیم‌گیری وجود انسان را آلوده می‌کند.

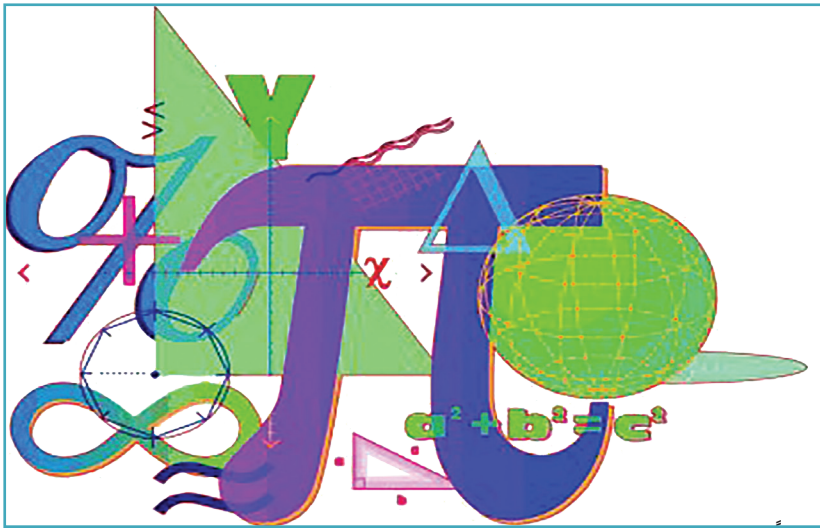
امر دیگری که گریبان‌گیر این روزهای ماست شبهات پی‌درپی است که در واقع اول‌بار در جامعه‌ی حقیقت منتشر شده و اکثراً در پایان آن‌ها یک سؤال مطرح می‌شود که گویی عقاید قبلی ما را به چالش می‌کشد و افراد جاهل و ناآگاه را با خود همراه می‌کند. در واقع جهل به قرآن و روایات، جهل به اصول عقاید، جهل به تاریخ و جهل به تعالیم و دستورات الهی است که زمینه‌ساز گناهان بزرگی همچون؛ خیانت، نیرنگ‌زدن، تکبر، پیمان‌شکنی، بی‌تابی، شانه‌خالی‌کردن از وظیفه جهاد، سبک‌سری، کینه، دشمنی و ... می‌شود. علاوه بر شناخت راه‌های دفاعی باید بر اصول حمله نیز واقف

## تکنولوژی نمایش علوم زیستی



سحر خانجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم زیستی دانشگاه تربیت مدرس



اخیراً در دانشکده علوم زیستی تکنولوژی نمایش روی پرده دل را زده و به نمایش روی صفحه تلویزیون روی آورده‌ایم.

اما مشکل اینجاست که کار با این وسایل جدید کمی سخت است و تا به کار کردن با آن عادت کنیم ترم بهار تمام شده است. نبود کنترل دستگاه نیز به سختی کار با آن افزوده است.

دیده شده در برخی کلاس‌ها استاد پس از کشمکش فراوان با سیستم موفق به روشن کردن آن نشده است و کلاس را کلا لغو نموده و به زمان دیگر موکول کرده است.

و یا برخی دیگر از اساتید گرامی ترجیح دادند باز هم از نمایش روی پرده استفاده کنند و توجهی به وجود تلویزیون در کلاس نداشته و با خیال راحت پرده را کشیده و



البته این ساختمان به جای دنج تو محوطه‌ی تربیت مدرس قرار گرفته و آرومه چون فقط دوتا گروه آموزشی اینجا هستن، اما دو تا مطلب هست که لازم میدونم بهش اشاره کنم، ابتدا اینکه ورودی دانشکده، حراست نداره دانشجویانی که روزهای تعطیل برای انجام کاراشون میان دانشکده باید با حراست تماس بگیرن و بعد از وارد شدن به دانشکده، پرسنل حراست درو قفل میکنن و زمانی که کاراشونو انجام دادن باید مجدداً تماس بگیرن که بیان درو باز کنن، از زمان تماس گرفتن تا اومدن پرسنل حراست حداقل ده دقیقه طول می‌کشه، مسئله اینه که اگر خدایی نکرده یه حادثه‌ای اتفاق بیفته با توجه با اینکه ساختمان به خاطر پیش ساخته بودن و نوع

مصالحتش فوق‌العاده قابل اشتعال هست، باید چیکار کرد؟! اما مطلب دوم اینکه به علت همجوار بودن این ساختمان با اتوبان چمران، سر و صداها و گاهی تصادفاتی که در اتوبان اتفاق میفته تمرکز اساتید و دانشجویان رو سر کلاس درس مختل میکنه و ویس‌هایی که دانشجویان از کلاس درس برمی‌دارن به قدری این نویز و سروصداها بلند هستن که صحبت‌های اساتید شنیده نمیشه.

از مسئولین محترم خواهشمندیم به این مسائل رسیدگی کنن چون این ساختمان برای استقرار گروه‌های آموزشی مناسب نیست.

## دانشجو ربات نیست!؟



فrideه گیو

دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی دانشگاه تربیت مدرس



در اینجا پیش می‌آید یعنی تا به حال برای دوستان پیش نیامده در منزل و یا محل کار وسیله‌ای که در اختیار دارند ایرادی پیدا کند و یا از آن بدتر وسیله‌ای نو بخرند و خراب از آب در بیاد! که آگه این‌طور نبوده خیلی خوش شانس هستید، خب در این مواقع چی کار می‌کنید؟ تازه این‌ها که خیلی خوبه فقط کافی‌ه پای صحبت‌های سال بالایی‌ها بشنید تا متوجه بشید که الان در چه بهشتی هستید؟! پس شکرگزار باشید و غر نزنید.

۳- تعیین استاد راهنما و موضوع پایان نامه هم که خود پروسه‌ای بس عظیم است. استاد هست دانشجو نیست، دانشجو هست استاد نیست، هر دو هستند موضوع نیست، موضوع هست استاد و دانشجو نیست... پس اگر در گروه اختلاف و کشمکشی نیست خیلی خوش شانس هستید بچسبید به درس و مشقتان و وقت را از دست ندهید.

۴- نتیجه‌گیری: طبق قانون پایداری مشکلات، مشکلات از بین نمی‌روند فقط از مشکلی به مشکل دیگر تبدیل می‌شوند بنابراین چقدر خوب می‌شود که کمی صبورانه با این مسائل برخورد کرد و به کمک یکدیگر راه حلی مناسب یافت. هرچند که وقت تنگ است و ما نه عمر نوح داریم نه صبر ایوب! باشد که رستگار شویم.

۱- درسته که وقتی دانشجوی تحصیلات تکمیلی می‌شوید باید اولویت اول درس و تحقیق باشد ولی خب به قول بزرگترها زندگی خرج داره! گاهی اوقات شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که دانشجو باید در کنار تحصیل، درآمد هم داشته باشد مخصوصاً اگر شهریه پرداز باشد و این موضوع سبب می‌شود که فرایند تحصیل کمی کند پیش رود. اما بهتر است بدانید که خود دانشجو بیشتر از هر کس دیگری از این وضعیت آسیب می‌بیند چون به دنبال کند شدن روند تحصیل، ممکن است دوران تحصیل هم طولانی‌تر گردد و این خود هزینه بیشتری را برای او به دنبال دارد. اما چیزی که این وسط بیشتر دانشجو را دچار تنش می‌کند برخورد و حساسیت دلسوزانه! برخی از اساتید با این موضوع است. تازه تا اینجا که فقط بحث کار و درس بود خدا نکنه که این وسط مزدوج هم بشی...

۲- باز هم رایانه خراب شده و پرینتر مشکل پیدا کرده حالا آگه سرپرست داشته باشید و تایید شود باید کلی پیگیری کنید تا بیایند و مشکل را رفع نمایند هر چند که همیشه دانشجو مقصر است! و باید مراقب باشد تا از وسایل و اموالی که در اختیار آن‌ها گذاشته شده به نحو احسن استفاده کند اما سؤالی

## ساختمان پیش ساخته علوم پزشکی ا قدیم



آزیتا ظهیری

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

گفتم اون کجاست؟ گفتن پشت مدیریت امور دانشجویی (مربوط به شهریور ۹۴ میشه)، وقتی به ساختمان دانشکده نزدیک شدم گفتم حتما اطراف این ساختمان پیش ساخته و قدیمی باید یه ساختمان علوم پزشکی باشه، اما قضیه زمانی جالب‌تر شد که روی ساختمان پیش ساخته، نوشته شده بود علوم پزشکی ۱، با خودم گفتم ظاهراً نباید دنبال ساختمان دیگه‌ای بگردم...

روز اول که برای ثبت نام به دانشگاه تربیت مدرس اومده بودم از حراست پرسیدم دانشکده علوم پزشکی ۱ کجاست؟ وقتی به آدرس رفتم یه ساختمان بلند و تازه ساز دیدم، گفتم چقدر دانشکده خوب و بزرگیه وارد یکی از گروه‌ها شدم و گفتم گروه آموزش بهداشت طبقه چندمه، گفتن خانم اشتباه اومدی گروه‌های آموزش بهداشت و آمار زیستی علوم پزشکی ۱ قدیم هستن،



**باتشکر از روابط عمومی دانشگاه**  
مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی فلاح رفیع  
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری  
مدیر اجرایی و ویراستار: سوده شجاعی  
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



## ادعای مجله نیچر در ترازوی انصاف



گفتگو از رعنا امیری

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری  
منظر دانشگاه تربیت مدرس



امین طالبی بزمین آبادی متولد شهرستان ساری، مازندران هستم. مقطع کارشناسی را در دانشگاه گلستان، کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در دانشگاه اترخت کشور هلند گذرانده و در حال حاضر عضو هیئت علمی گروه باکتری شناسی دانشکده علوم پزشکی و همچنین عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه تربیت مدرس نیز هستم.

### موضوع جنجال مجله نیچر چه بوده و به دانشمندان ایرانی چه انتهایی نسبت داده شده است؟

ماجرا از این قرار بود که ابتدا متنی در سایت رفلکشن واچ (که برای گزارش تقلب در مقالات است) در شهریور سال ۹۵ منتشر شد که خبر از وقوع تقلب در ۶۰ مقاله به نویسندگی ایرانیان داشت. جنجال اول حدود چند روز بعد انتشار این خبر، در سایت مجله نیچر اتفاق افتاد و در آن واژگان تقلب به دانشمندان ایرانی به طریق های مختلف (اعم از تغییر در نام نویسنده و تغییر تصاویر و منابع آن ها و غیره) نسبت داده شد. ذکر نام دانشمندان ایرانی، انگیزه ما را جهت پی بردن به اصل موضوع دوچندان کرد. با پیگیری انجام شده، ضمن توجه به اسم و آدرس مقالات، نام ۲۸۲ نویسنده محرز شد. که از این تعداد ۶ نفر از آن ها اصلا افریقاییشن ایرانی نداشتند و داخل کشور نبودند. ۳ نفر آدرس مشخصی نداشتند و ۴۳ نویسنده در واقع چند نفر بودند که اسم و فامیل و پسوند فامیل آن ها به طرق مختلف نوشته شده بود. باقیمانده نویسنده ها ۲۲۰ نفر شدند و عمدتاً در چندین مقاله مشارکت داشتند. نتیجتاً تعداد نویسنده ها به طور کاذب افزایش یافته بود و در این بین تعداد زیر ۲۰ نفر از آن ها هیئت علمی بودند که شاید بتوان عنوان دانشمند ایرانی را برایشان متصور بود و بقیه فارغ التحصیلان کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. بدین ترتیب سؤال اینکه می توان همه این افراد را دانشمندان ایرانی نامید؟ آیا این نحوه بررسی مجله نیچر را می توان مبتنی بر یافته های دقیق و بررسی شده دانست؟

### فکر می کنید ریشه های این اتهام در چی بوده و چه دلایلی باعث این اتهام شده است؟

اگر بخواهید دید منصفانه به این اتهام داشته باشیم، نمی بایستی منکر وقوع این خطا شویم. در هر جایی همیشه یک عده ای از روی بی اطلاعی یا کم اطلاعی قربانی این قبیل مسائل می شوند که در این بین

داشته اند، اقدام به نوشتن مقالاتی کردند که نشان می داد ایرانی ها توانایی تولید و ایجاد مقاله اخلاق مدارانه را ندارند! و جالب آنکه مجله ای ساینس بلافاصله اقدام به چاپ این قبیل مقالات می کرد. نهایتاً مقاله ای در مجله Archive of Iranian Medicine بچاپ رسید که همه مستندات را برای خوانندگان ارائه کرده و امید است تا حدی به تنویر اذهان عمومی کمک کند.

### در انتها اگر موارد دیگری لازم هست که اساتید و دانشجویان بیشتر توجه کنند و یا مسئولان دانشگاه و وزارت علوم لطفاً بیان فرمایید.

مسئولین باید به دنبال تقویت هر چه بیشتر هیئت علمی و دانشجو باشند. ما مسلمانیم و رعایت امانت و اخلاق مداری یکی از ارکان دین ماست بنابراین وظیفه ای اساتید یادآوری این موضوع در کلاس هاست. بی تردید کمیته ای اخلاق یک بازوی کمکی برای دانشگاه محسوب شده که با برگزاری کارگاه های متناسب برای دانشجویان، می تواند نقش مهمی در نهادینه سازی مفهوم اخلاق در پژوهش ایفا نماید. ندانستن و عدم رعایت اخلاق از علل به وجود آمدن این گونه مسائل است. بی شک کوتاهی در واقعه اخیر وجود داشته ولی آنچه پرتنگ است؛ عدم آگاهی قشر وسیعی از دانشجویان ما به مختصات اخلاق در پژوهش فاخر است. در انتها ذکر این نکته ضروری است که ضمن رشد روزافزون تحقیقات علمی، بایستی بازوی اخلاق در پژوهش تقویت شده، که این ضامن موفقیت برای آینده ایران اسلامی خواهد بود.

مجاله نیچر برای بهره مندی از نظرات سازنده اساتید توانایی که نکات باارزشی را در این مسیر در اختیارم گذاشتند. از این نکات در پاسخ دهی به مجلات ساینس و نیچر استفاده شده است. هجده روز بعد انتشار اولین خبر، مجله ساینس ایرانیان را به خرید و فروش مقالات و کسب درآمد از این طریق متهم کرد. در صورتی که شاهد هستیم پژوهشگران و دانشجویان و اساتید در دانشگاه های مختلف چگونه باوجود مشکلات عدیده بهترین مقالات علمی را تولید می کنند و قصدشان نه تنها کسب درآمد نیست بلکه خدمت به کشور است و این اتهام حقیقتاً دردناک و یک پروپاگاندای علمی علیه ایران است. در ادامه تلاش های صورت گرفته، سه مقاله پیاپی (برای رفع اتهام به پیوست آمار و نمودارهای اثبات وقوع تقلب در مقالات دیگر کشورها) به مجلات ساینس و نیچر ارسال شد که همگی بلافاصله رد شدند. همچنین مذاکرات با آقای پروفسور جفری بیل (یکی از اساتید اخلاق مدار و خوش نام دانشگاه کلرادو آمریکا) که به نوعی غیرمستقیم برای کمک به ما با انتشار این خبر آن هم به طور غیرمستقیم بر روی وبلاگ خود سعی در رفع اتهام از دانشمندان ایرانی داشتند، ختم به بسته شدن وبلاگ ایشان شد که این نیز مؤید برخوردی دوگانه با مقوله اخلاق در پژوهش می باشد.

### نتیجه نهایی مستخرج از این فرآیند چه بوده است؟

متأسفانه حین تلاش های صورت گرفته در این مدت در راستای رفع اتهام از جامعه علمی ایران، همکاری از چند دانشگاه تهران که به گمان خود نیت خیر

دانشجویان و اساتیدی که متأسفانه از نظر علمی سطح بالایی هم نداشته، بیشتر دستاویز این گونه خطاها شده اند. با بررسی پیشینه ای سایت مجله نیچر و مراجعه به مقالات تولید شده در سال گذشته نتایجی جالب به دست آمد، از جمله اینکه هرساله در کشورهای مختلف این گونه خطاها حتی با سیر صعودی به وقوع می پیوندد، اما مجله نیچر نه اسمی از مقالات و نه نویسندگی آن ها می برد، و نه حتی کشور منظوره را معرفی کرده است. آیا در قیاس با آنچه نسبت به ایرانیان انجام شد، این برخورد جای پرسش ندارد؟ قابل ذکر ایران متعلق به پنج سال اخیر است که در کشورهای دیگر در هرسال چندین برابر تعداد ذکر شده تخلف در مقالات صورت می گیرد و معمولاً هم صدایی به گوش نمی رسد. آیا باید از کنار این برخورد دوگانه به سادگی عبور کرد؟ آیا ریشه ای این اتهام را می توان غیر از زیر سوال بردن و نادید گرفتن تلاش های دانشمندان ایرانی دانست؟ تحقیقاً این کم لطفی به صورت عمدی بوده است. در پاسخ به سؤال آخر شما هم باید بگویم که رشد شتاب دار کمی/ کیفی مقالات ایران در ۱۰ سال گذشته به نوعی سبب بروز حساسیت در دنیا نسبت به جامعه علمی ایران شده که بایستی با اتخاذ سیاست هایی هوشمندانه به حفظ و حراست از این سرمایه معنوی پرداخت.

### تلاش و پاسخ شما در قبال این چه بوده است؟ لطفاً تشریح فرمایید چه اقدامی صورت گرفته است؟

فرصت حضور در شورای پژوهشی دانشکده علوم پزشکی و دانشگاه تربیت مدرس